

بررسی مواضع و عملکرد کویت در جنگ ایران و عراق

سید مسعود موسوی^(۱)

مقدمه

کویت با وسعتی در حدود ۱۷۸۱۸ کیلومتر مربع یکی از کوچکترین کشورهای حوزه خلیج فارس است. و با وجود مساحت کم، به دلیل برخورداری از منابع غنی نفت و گاز، از ثروتمندترین کشورهای صادرکننده نفت به شمار می رود، طوری که درآمد سرانه هر فرد کویتی بیش از هجده هزار دلار است. کویت از طریق خشکی با کشورهای عراق و عربستان سعودی هم مرز است و در آبهای خلیج فارس نیز با ایران مرز مشترک آبی دارد.

پتانسیل اقتصادی بالای کویت و همسایگی با سه کشور بزرگ منطقه (عراق، عربستان سعودی و ایران) باعث شده است تا این کشور برای حفظ تمامیت ارضی خود، حضور فعالی در تحولات منطقه ای داشته باشد. از دهه ۷۰ تا عصر حاضر، کویت همواره، یکی از خبرسازترین کشورها در عرصه جهانی بوده و تاریخ سیاسی پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. اختلافات مرزی با عراق، موضع گیری در قبال جنگ ایران و عراق، جنگ نفت کشها، اشغال نظامی کویت به دست نیروهای عراق و جنگ اول و دوم خلیج فارس از مهم ترین چالشهای این کشور طی سه دهه گذشته بوده است. جنگ هشت ساله ایران و عراق در ابعاد گوناگون تأثیرات فراوانی بر کویت داشت. موضع گیری و عملکرد حاکمان کویت طی جنگ، در تحولات پس از پایان جنگ ایران و عراق، به ویژه اشغال آن به دست نیروهای عراق، نقشی اساسی را ایفا کرد. برای تشریح تعامل کویت با پدیده جنگ ایران و عراق سه موضوع اصول سیاست خارجی کویت، تأثیرپذیری این کشور از جنگ ایران و عراق و مواضع و

عملکرد آن در قبال طرفهای جنگ بررسی خواهد شد. اصلی ترین پرسشی که در این زمینه مطرح می شود، این است که به رغم اعلام بی طرفی، کویت دلایل و عوامل مؤثر حمایت این کشور از عراق در طی جنگ چه بود؟ در پاسخ به پرسش مزبور این فرضیه مطرح می شود که مواضع کویت طی جنگ تحمیلی، در چهارچوب ملاحظات آن از خطر سرایت انقلاب اسلامی ایران به این کشور و نیز مدارا با حکومت عراق برای رفع تهدیدهای نظامی آن علیه تمامیت ارضی کویت قرار داشت.

درگیری رژیم بعث عراق در جنگ همه جانبه ای که علیه ایران آغاز کرده بود، باعث شد تا از توسعه طلبیهای آن علیه همسایه جنوبی اش تا اندازه زیادی کاسته شود و این فرصت ایده آلی برای حکومت کویت بود تا دو همسایه قدرتمندش با درگیر شدن در جنگی فرسایشی، قدرتشان به تحلیل رود. افزون بر انگیزه های پان عربیستی کویت در حمایت از عراق طی جنگ، این کشور قصد داشت رژیم بغداد را مدیون کند و بدین ترتیب، زمینه های طرح دوباره ادعاهای توسعه طلبانه علیه تمامیت ارضی خود را از بین ببرد.

الگوهای رفتار سیاست خارجی کویت

سیاست خارجی دولتها تحت تأثیر متغیرهای متعددی، مانند اهداف، منافع ملی، موقعیت جغرافیایی، توانمندیهای اقتصادی شکل می گیرد. در این میان برخی از این متغیرها با توجه به شرایط پدید آمده دگرگون می شوند و برخی تأثیر مستمری دارند. با دگرگون شدن شرایط داخلی و بین المللی ممکن است طبقه بندی جدیدی از اهداف و منافع ملی و

(۱) کارشناس ارشد رشته تاریخ

هدف توسعه طلبیهای بغداد بوده است. افزون بر عراق، عربستان سعودی نیز بارها، کویت را به طور جدی تهدید کرده است، هرچند این دو کشور موفق به تحدید حدود مرزهای زمینی خود شده‌اند، اما هنوز به دلیل اختلاف، نتوانسته‌اند مرزهای دریایی شان را مشخص کنند.

دولت کویت پس از استقلال این کشور، برای مقابله با توسعه طلبیهای ارضی و تجاوز احتمالی عراق، همواره در صدد یافتن متحد مطمئنی برای دفاع از خود بود. در بین کشورهای عرب، مصر تنها کشوری محسوب می شد که کویت می توانست به عنوان متحد روی آن حساب کند، اما فاصله زیاد دو کشور، عملاً امکان یاری مصر را در مقابل تجاوزات احتمالی کاهش می داد. از سوی دیگر، دو کشور عربستان سعودی و سوریه نیز متحدان مورد اعتمادی برای حکومت کویت نبودند و دولت ایران نیز به دلیل غیرعرب بودن و نیز حکومت انقلابی اش مناسبات تنش آلودی با دولت کویت داشت و طبعاً نمی توانست به عنوان متحد در نظر گرفته شود؛ از این رو، استراتژی امنیتی کویت برای حفظ تمامیت امنیت اش، عضویت در سازمانهای منطقه ای، مانند شورای همکاری خلیج فارس اتحادیه عرب و سازمانهای بین المللی، همانند سازمان ملل متحد و برقراری روابط مستحکم با قدرتهای بزرگ دنیا چون ایالات متحده امریکا، اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای اروپایی، بوده است.

استراتژیها ارائه شود. شرایط جغرافیایی، مانند وسعت، اهمیت استراتژیک و نوع همسایه ها، و قدرت نسبی آنها، حاصل خیزی خاک و غنا یا فقر منابع طبیعی، جمعیت و ویژگیهای کمی و کیفی آن، توانایی نظامی از نظر کمی و کیفی، ماهیت رهبری سیاسی و کیفیت دستگاههای اجرایی سیاست خارجی و نیروی انسانی آنها، درجه همگنی و همبستگی قومی و اجتماعی مردم کشور و قابلیت آنها برای انجام اقدامات دسته جمعی از جمله عوامل مهم داخلی هستند که در تعیین هدفهای سیاست خارجی هر کشور و انتخاب راهها و تأمین امکانات دسترسی به این هدفها مؤثرند. در زمینه عوامل بین المللی نیز می توان به نظام بین المللی، نظام منطقه ای و موقعیت و اعتبار بین المللی کشورها اشاره کرد که بر سیاست خارجی آنها تأثیر می گذارد. با توجه به این بحث کوتاه نظری، اصول حاکم بر سیاست گذاری خارجی کویت پیش از آغاز جنگ عراق علیه ایران را می توان به شرح زیر بیان کرد:

حفظ تمامیت ارضی

حفظ تمامیت ارضی کویت نخستین و مهم ترین هدف سیاست خارجی این کشور است. کویت در همسایگی سه قدرت بزرگ منطقه ای یعنی ایران، عراق و عربستان سعودی واقع شده است. در این میان، عراق تمامیت ارضی کویت را از آغاز استقلال آن همواره، تهدید کرده و این کشور همیشه،



همگامی با جهان عرب

کویت همواره، یکی از اعضای مهم و تأثیرگذار در اتحادیه عرب بوده است. از آنجا که تعداد زیادی از کشورهای عرب، دریافت کننده کمکهای اقتصادی کویت بوده اند، دولت این کشور توانسته است نفوذ در خور توجهی را در محافل عربی به دست آورد. در واقع، پان عربیسم همواره، یکی از اصول مهم سیاست خارجی کویت بوده و دولت این کشور در بیشتر اختلافات کشورهای عرب با کشورهای غیر عرب از کشورهای عرب حمایت کرده است. برای نمونه، در اختلافات مرزی ایران و عراق، همواره، از عراق حمایت نموده یا در جریان استرداد جزایر سه گانه به دولت ایران، به این دولت اعتراض کرده است. از سوی دیگر، رابطه کویت با مجامع عربی را باید رابطه دوسویه ای دانست که کویت از

مسئله ای که مخالفتهای گسترده ای را در برابر سیاستهای دولت در مجلس ایجاد کرد و در نهایت، حکومت کویت مجبور شد مجلس را به مدت چهار سال تعطیل کند.^۳ حکومت عراق نفوذ در خور توجهی روی فلسطینیان ساکن کویت داشت و از آنها به عنوان اهرم فشاری برای تحت فشار قرار دادن حکومت کویت برای موافقت با درخواستهای این کشور استفاده می کرد.^۴

تضمین جریان صادرات نفت

همان طور که پیش از این گفته شد، کویت با داشتن ذخایر غنی نفت و گاز یکی از بزرگ ترین صادر کنندگان نفت در جهان محسوب می شود. ذخایر نفتی این کشور تقریباً، به اندازه مجموع ذخایر نفتی ایران و عراق است و بیش از ۱۳ درصد از

پتانسیل اقتصادی بالای کویت و همسایگی با سه کشور بزرگ منطقه (عراق، عربستان سعودی و ایران) باعث شده تا این کشور برای حفظ تمامیت ارضی خود حضور فعالی در تحولات منطقه ای داشته باشد

طریق آن می کوشد پوشش و حمایت لازم را در مقابل تجاوزات احتمالی همسایگان قدرتمندش فراهم کند.

حفظ وحدت ملی

فقدان وحدت ملی، قومیتی و مذهبی یکی از عوامل تأثیرگذار در سیاست خارجی کویت است. حدود ۶۰ درصد از جمعیت کویت را مهاجران خارجی، به ویژه فلسطینیان تشکیل می دهند که یک سوم از کل تعداد مهاجران خارجی را شامل می شوند. همچنین، تعداد مهاجران عراقی، مصری و سوری نیز در خور توجه است.^۲ از سوی دیگر، تعداد زیادی از جمعیت کویت را شیعیان تشکیل می دهند؛ موضوعی که حکومت سنی این کشور همواره نسبت بدان احساس خطر کرده است؛ از این رو، حکومت کویت در سیاستهای خارجی خود ناگزیر از توجه به حساسیتهای داخلی است، طوری که بارها، این مسئله بروز بحرانهای داخلی در این کشور را باعث شده است. برای نمونه عدم محکومیت دولت سوریه به دلیل سرکوب فلسطینیان در جریان جنگهای داخلی لبنان، به راه اندازی اغتشاشاتی از سوی مهاجران فلسطینی در کویت انجامید. مهاجران فلسطینی با حمایت از مخالفان حکومت پیروزی آنها را در انتخابات مجلس کویت باعث شدند؛

مجموع ذخایر نفت دنیا را در اختیار دارد. جمعیت کم و درآمد سرشار نفتی آن باعث شده است تا این کشور یکی از ثروتمندترین کشورهای منطقه باشد. اقتصاد کویت کاملاً به نفت متکی است و تضمین صادرات آن یکی از مهم ترین اهداف سیاست گذاری خارجی این کشور محسوب می شود. عمده ترین مسیر صادرات نفت کویت، از طریق خلیج فارس است؛ و از این رو، حفظ امنیت آن برای این کشور اهمیت ویژه ای دارد.

درآمدهای سرشار نفتی این امکان را به کویت می دهد که از آن، به عنوان ابزاری برای پیشبرد مقاصد خود در سطح منطقه ای و بین المللی استفاده کند. این درآمدها باعث شده است تا کویت نقش پول رسان را در جهان عرب ایفا کند و در بین کشورهای عرب نفوذ زیادی یابد.^۵ حکومت کویت برای جلوگیری از تهدیدهایی که علیه امنیت ملی و تمامیت ارضی این کشور، وجود دارد، از استراتژی خرید تهدیدها سود می جوید.^۶ برای این منظور، کویت، صندوق توسعه اقتصادی عرب را با سرمایه ای در حدود ۱۴۰ میلیون دلار در سال ۱۹۶۱ تأسیس کرد که تاکنون، میلیاردها دلار وام به کشورهای عرب و دیگر کشورهای آسیایی و افریقایی پرداخت کرده است.^۸

با توضیحاتی که داده شد اکنون، این بحث مطرح می‌شود که جنگ ایران و عراق چه تأثیری روی اصول، اهداف و رفتارهای خارجی کویت داشت؟ این جنگ هشت ساله در قالب کلان فکری و استراتژیک کویت چگونه ارزیابی شد و این کشور چه استراتژی و الگوی رفتاری مشخصی را در پیش گرفت؟

تأثیرات جنگ ایران و عراق بر کویت

نزدیکی جغرافیایی کویت به صحنه، جنگ تأثیرپذیری بیشتر این کشور از جنگ را باعث شد. در مواقعی، درگیری به مرزهای کویت کشیده شده و امنیت ملی این کشور به طور مستقیم تهدید می‌شد. همچنین، میدان نبرد، تنها ۱۵۰ مایل از مرکز شهر کویت فاصله داشت و صدای بمبارانها و انفجارها به راحتی شنیده می‌شدند.^۹

حکومت کویت به رغم اعلام موضع رسمی، مبنی بر حفظ بی طرفی در جریان جنگ، با توجه به منافع مشترکی که با حکومت عراق داشت، به شکل‌های مختلف رژیم صدام را در جنگ با ایران یاری داد. همکاری کویت با عراق به بروز تنش بین این کشور و ایران انجامید.^{۱۰} با گسترش دامنه کشمکش بین دو کشور، مشکلات بسیاری در زمینه اوضاع اقتصادی، امنیت داخلی و سیاست خارجی برای کویت پدید آمد که در زیر، به بررسی موارد مطرح شده می‌پردازیم:

الف) تأثیر جنگ ایران و عراق بر سیاست خارجی کویت

همان‌طور که آمد، با آغاز جنگ ایران و عراق، تغییرات مهمی در سیاست خارجی کویت ایجاد شد. حمایت این کشور از حکومت بغداد، روابط آن را با ایران تیره کرد. خصومت با ایران با توجه به پتانسیل نظامی بالای این کشور، به ویژه در خلیج فارس، کویت را با تهدید بزرگی روبه‌رو کرد. این کشور در برابر حملات نیروی هوایی و دریایی ایران به شدت آسیب‌پذیر بود و نیروی دریایی ایران می‌توانست با محاصره دریایی کویت، از صادرات نفت این کشور جلوگیری کند. البته، به جز کویت، دیگر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس نیز از حضور قدرتمند ایران در خلیج فارس، احساس خطر می‌کردند. در ۲۵ ماه مه سال ۱۹۸۲، شش کشور کویت، بحرین، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی، شورای همکاری خلیج فارس را برای مقابله با تهدید فزاینده ایران، تأسیس کردند. کویت و عربستان سعودی مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اعضای این شورا بودند. هرچند شورای همکاری خلیج فارس اقدامات مهمی در زمینه ایجاد ساختار

نظامی واحد برای شورا و اتخاذ مواضع قاطع در برابر ایران و ارائه پیشنهادهایی برای پایان دادن به جنگ، انجام داد، اما به دلیل تفاوت‌های اعضای شورا از نظر زیرساخت‌های اقتصادی و نظامی با یکدیگر و نیز وجود اختلاف نظرهایی درباره نحوه برخورد با ایران و عراق، شورا به تنهایی توانایی حفظ امنیت خلیج فارس را نداشت. با گسترش دامنه و شدت جنگ، ناتوانی شورای همکاری خلیج فارس نمایان‌تر شد. پس از پیروزیهای نخستین عراق و تصرف بخشهایی از قلمرو ایران، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با تجدید سازمان و با برخورداری از شور انقلابی، توانستند روند جنگ را تغییر دهند و ضمن آزادسازی مناطق اشغال‌شده، بخشهایی از خاک عراق را نیز تصرف کنند. در این میان، حضور گسترده نیروهای نظامی ایران در کنار مرزهای شمالی کویت از یکسو

**در بین کشورهای عرب،
مصر تنها کشوری محسوب می‌شد
که کویت می‌توانست به عنوان متحد
روی آن حساب کند، اما فاصله زیاد
میان دو کشور عملاً امکان یاری مصر
را در مقابل تجاوزات احتمالی
کاهش می‌داد**

و سیاست جدید حکومت بغداد مبنی بر گسترش دامنه جنگ به خلیج فارس برای نابودی امکانات صادرات نفت ایران، و سیاست مقابله به مثل این کشور در ضربه زدن به منافع کشورهای حامی عراق از سوی دیگر، صدمات مهمی را به کویت وارد آورد.

با گسترش جنگ نفت کشتها و خطر قطع صادرات نفت، استراتژی سیاست خارجی کویت بر دعوت از کشورهای قدرتمند اروپایی و ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی برای حضور در خلیج فارس قرار گرفت. در زمینه اجرای این استراتژی، مقامات کویتی کوشیدند با ارائه طرح اسکورت نفت کشتهای کویتی با کشتیهای جنگی دو ابرقدرت شرق و غرب، آنها را در تأمین امنیت خلیج فارس و تداوم جریان نفت بیش از پیش درگیر کنند.

سوء قصد‌هایی علیه مقامات عالی‌رتبه این کشور، بمب‌گذاری در سفارتخانه‌های خارجی و تأسیسات نفت و گاز و همچنین، هواپیماربایی از جمله این مشکلات به شمار می‌رفتند که^{۱۱} دولت کویت آنها را به شیعیان طرفدار ایران نسبت می‌داد. در سال ۱۹۸۶، در پی اعتراضاتی که علیه سیاست دولت کویت در دعوت از آمریکا و شوروی برای پرچم‌گذاری مجدد نفت کشفایش صورت گرفت، حکومت کویت مجلس این کشور را منحل و طی همان سال، حدود پنجاه هزار تن از مهاجران خارجی از جمله ایرانیان شیعه، فلسطینیان و تعدادی از روزنامه‌نگاران کویتی را از این کشور اخراج کرد.^{۱۳}

تأثیرات جنگ ایران و عراق بر اوضاع اقتصادی کویت

جنگ ایران و عراق به دو شکل متفاوت، بر اقتصاد کویت تأثیر گذاشت. تحمیل هزینه‌های حمایت از عراق بر اقتصاد کویت نخستین تأثیر بود. کمک‌های مالی کویت به عراق در قالب وام‌های طولانی مدت با بهره بسیار کم پرداخت می‌شد. مجموع این وام‌ها در حدود ۱۳ میلیارد دلار بود. همچنین، پس از اقدام سوریه در بستن خط لوله نفتی عراق، دولت کویت، همراه با عربستان، درآمد صادرات روزانه سیصد هزار بشکه از نفت استخراج شده از منطقه بی طرف دو کشور را به عراق اختصاص داد و از این طریق، این کشور مبلغی بیش از ۲۲ میلیارد دلار به رژیم صدام پرداخت کرد.^{۱۴} افزون بر اینها، در این کشور، میلیارد‌ها دلار کمک‌های مردمی به نفع عراق جمع‌آوری شد. به طور تقریبی، تمامی کمک‌های مالی کویت به عراق حدود پنجاه میلیارد دلار بود، هرچند بخشی از این مبلغ با نام وام پرداخت شده بود، اما با توجه به میزان بالای بدهی‌های خارجی عراق (در حدود صد میلیارد دلار)، امکان بازپرداخت آنها بعید به نظر می‌رسید. این در حالی بود که در صورت سرمایه‌گذاری چنین مبلغی در داخل یا خارج از کویت منافع فراوانی را برای این کشور در برداشت. اعطای این کمک‌ها، نه تنها نتوانست، توسعه طلبی رژیم عراق را درباره کویت سد کند، بلکه انگیزه‌ای برای این کشور برای اشغال و ضمیمه کردن آن به خاک عراق شد.

به غیر از ضررهایی که اقتصاد کویت از طریق اعطای کمک‌های مالی متحمل شد، دیگر خسارتهای اقتصادی وارد شده به این کشور در طی جنگ ایران و عراق نیز در خور توجه بود. بمب‌گذاری در پالایشگاه گاز پروپان این کشور، اصابت موشک‌های کرم ابریشم به پایانه نفتی سی آیلند، هدف قرار گرفتن نفت کشفای این کشور در جنگ نفت کشفای

(ب) جنگ ایران و عراق و نقض حاکمیت ملی کویت حمایت همه جانبه کویت از رژیم صدام طی جنگ، به رغم اعلام بی طرفی اولیه، باعث شد دولت ایران همواره، نسبت به سیاست‌های کویت در اعطای کمک‌های مالی و ترانزیت کالا برای عراق، فراهم کردن تسهیلات نظامی برای حملات آن کشور و دعوت از قدرتهای فرامنطقه‌ای برای حضور نظامی در خلیج فارس معترض باشد. هر چند اعتراضات ایران علیه دولت کویت گاهی، با هشدارهای عملی همراه بود، اما این کشور هیچ‌گاه، در پی گسترش جنگ به کشورهای همسایه برنیامد و تمرکز اصلی آن، تنها روی جنگ با عراق بود. در مقابل، عراق با موفقیت‌های ایران در عملیات‌های زمینی و تصرف مناطق حساسی، مانند بندر فاو، برای جبران شکست‌های خود، با استفاده از برتری نیروی هوایی، دامنه

مهمترین استراتژی کویت برای حفظ تمامیت ارضی اش، عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و برقراری روابط مستحکم با قدرتهای بزرگ دنیا چون ایالات متحده آمریکا، شوروی و کشورهای اروپایی بوده است

جنگ را به خلیج فارس گسترش داد. بدین ترتیب، و در روندی تعاملی، درگیرها تشدید و پای کشورهای دیگر به جنگ کشیده شد. با آغاز جنگ نفت کشفای هدف قرار گرفتن تأسیسات صدور نفت ایران و اجرای سیاست مقابله به مثل از سوی این کشور، بعد جدیدی از جنگ آغاز شد که به جنگ نفت کشفای معروف شد.

در این جنگ، چندین فروند نفت کش کویتی هدف قرار گرفت و در ادامه با تشدید این جنگ چندین موشک به مناطق مختلف کویت و پایانه‌های نفتی این کشور اصابت کرد. مقامات کویتی تمامی این اقدامات را به نیروهای نظامی ایران نسبت دادند و حتی در مواردی، شکایت‌هایی را علیه ایران در سازمان ملل مطرح کردند.^{۱۵} جدا از حملات نظامی، که از خارج از کویت علیه این کشور صورت می‌گرفت، از نظر امنیتی، نیز در داخل این کشور مشکلاتی وجود داشت. انجام

انگلیسی، نیروهای عراقی به سوی مرزهای کویت حرکت و فقط زمانی عقب نشینی کردند که نیروهای انگلیسی دوباره به کویت بازگشتند و اتحادیه عرب ادعاهای ارضی عراق را رد کرد. در سال ۱۹۶۳، عراق موافقت نامه ای را با کویت امضا کرد و استقلال پادشاهی این کشور را به رسمیت شناخت، طبق این موافقت نامه، مرزهای دو کشور بر اساس مرزهای تعیین شده بین امپراتوری عثمانی و بریتانیا در سال ۱۹۱۴، تعیین شد.^{۱۹} پس از اینکه حزب بعث از طریق یک کودتای نظامی در ماه ژوئیه سال ۱۹۶۸، در عراق به قدرت رسید، دولت کویت فوراً رژیم عراق را به رسمیت شناخت. حزب بعث با توجه به مخالفت با ادعاهای ارضی عبدالکریم قاسم درباره کویت در سال ۱۹۶۳، مقبول مقامات کویتی بود و انتظار می رفت با قدرت یافتن این حزب در عراق، اختلافات دو کشور به تدریج حل شود، اما این امیدواریهایی ناپدید و به زودی، ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت دوباره از سر گرفته شد. عمده ترین دلایل اتخاذ این سیاست از سوی رژیم عراق، تصمیم بریتانیا به خروج نیروهای آن کشور از این منطقه، کاهش نفوذ مصر در خلیج فارس و تشدید بحران بین ایران و

همچنین، افزایش حق بیمه کشتیها و نیز هزینه ها و تعهداتی که دولت کویت برای طرح اسکورت نفت کشتیهای این کشور پذیرفته بود، باعث شد تا هزینه همکاری این کشور با عراق افزایش یابد.^{۱۵} از طرف دیگر، افزایش حق بیمه حمل نفت از سوی شرکتها بیمه به بیش از ۲/۵ برابر همزمان با کاهش قیمت جهانی نفت تأثیرات منفی زیادی را بر اقتصاد کویت باقی گذاشت.^{۱۶} همچنین، طی جنگ نفت کشتیها، حدود یازده فروند از نفت کشتیهای کویت با پرچم این کشور، هدف حمله قرار گرفتند؛ حمله هایی که به تعداد زیادی از کشتیهای تحت اجاره این کشور یا کشتیهایی که به مبدأ و مقصد کویت در حرکت بودند، نیز آسیب وارد کرد.^{۱۷}

با افزایش تهدیدهای نظامی علیه کویت، دولت این کشور ناچار شد، بودجه نظامی خود را افزایش دهد. بدین ترتیب، قراردادهای جدید خرید سلاحهای پیشرفته با کشورهای مختلف منعقد شد که هزینه های آنها مشکلات اقتصادی بسیاری را برای این کشور ایجاد کرد. در جریان تصاعد جنگ نفت کشتیها، کویت برای تقویت ضریب دفاعی خود در برابر حملات موشکی و هوایی، قراردادی با

درآمدهای سرشار نفت این امکان را به کویت می دهد تا از آن به عنوان ابزاری برای پیشبرد مقاصد خود در سطح منطقه ای و بین المللی استفاده کند؛ این درآمدها باعث شده تا این کشور نقش پول رسان را در جهان عرب ایفا کند

عراق در سال ۱۹۶۹ بر سر مسئله ارنود رود بود.^{۲۰} حکومت بعث عراق از طرح ادعاهای ارضی علیه کویت، اهدافی مانند عمل به ایدئولوژی حزب بعث، توسعه طلبی سیاسی، توسعه طلبی ارضی و مطامع اقتصادی را دنبال می کرد.^{۲۱}

از نظر ایدئولوژیکی، حزب بعث بر یکپارچگی سرزمینهای عرب و برداشته شدن مرزهای کشورهای عرب تأکید داشت، هدف حزب بعث از طرح این دیدگاه احیای مجد و عظمت گذشته اعراب بوده است. در این زمینه، ادعاهای ارضی عراق کشورهایی، مانند اردن، سوریه، کویت، بخشهایی از ایران و خلیج فارس را شامل می شد. حکومت بعث عراق به دلیل چنین رویکرد توسعه طلبانه ای همواره، با تمامی همسایگانش، اختلافات ارضی داشت.

پس از شکست مصر در جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷، نقش رهبری این کشور در بین کشورهای عرب

حکومت مصر، منعقد کرد تا تعدادی از خلبانهای مصری را به خدمت بگیرد این کشور همچنین، موشکهای پیشرفته استینگر را نیز از امریکا خریداری کرد.^{۲۸}

پیشینه روابط خارجی کویت و عراق

کویت تا زمان استقلالش در سال ۱۹۶۱، با همسایگانش روابط صلح آمیزی داشت. در سال ۱۹۳۲، عراق خودمختاری شیخ نشین کویت را به رسمیت شناخت و در حالی که هنوز خود این کشور تحت حمایت و نفوذ بریتانیا بود، هیچ گونه چالشی با اعطای استقلال به کویت نداشت؛ وضعیتی که پس از سقوط حکومت پادشاهی در عراق در سال ۱۹۶۱ تغییر کرد و کویت با تهدید جدی ناسیونالیستهای افراطی عرب روبه رو شد که ادعا داشتند به دلیل آنکه، پیش از آن، کویت یکی از بخشهای امپراتوری عثمانی بوده است، بخشی از خاک عراق است. بدین ترتیب، تنها یک هفته پس از خروج نیروهای



کشور نیز متأثر می‌شد.

در سال ۱۹۶۹، و هم‌زمان با اوجگیری کشمکش ایران و عراق بر سر اروندرود، دولت بغداد از کویت خواست تا برای آمادگی در برابر حمله احتمالی ایران، با استقرار واحدهایی از نیروهای نظامی عراق در خاک آن کشور موافقت کند؛ درخواستی که با توجه به ملاحظات دولت کویت درباره اختلاف ایران و عراق پذیرفته شد، هرچند بعدها، مشکلاتی اساسی در این زمینه بروز کرد.^{۳۳}

با افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۳ و تصمیم دولت عراق برای افزایش ظرفیت صادرات نفت خود و محدودیتی که بندرهای نفتی عراق داشتند، بار دیگر، ادعاهای ارضی عراق علیه کویت شدت گرفت. در ۲۰ ماه مارس سال ۱۹۷۳، عراق پاسگاه مرزی الصامه کویت را به منظور تحت فشار قرار دادن حکومت این کشور برای واگذاری جزایر وره و بوبیان، این جزایر را اشغال نمود و تنها با میانجیگری یاسر عرفات و دریافت مبلغ در خور توجهی از کویت با عقب نشینی موافقت کرد.^{۳۴} پس از آن، دولت عراق برای انعقاد موافقت‌نامه‌ای بین دو کشور پیشنهادهایی داد که مطابق با آن، دولت کویت اجازه تأسیس پایانه‌ای نفتی را در آبهای عمیق این کشور به دولت عراق می‌داد و جزایر وره و بوبیان نیز به مدت ۹۹ سال به عراق اجاره داده می‌شد. در مقابل، رژیم بغداد نیز آب شیرین اروندرود را به کویت انتقال می‌داد و به صورت قطعی، مرزهای دو کشور را تعیین می‌کرد؛ پیشنهادی که دولت کویت آن را رد کرد.^{۳۵}

تا حد زیادی از بین رفت، پیش از این، روابط مصر با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، عامل بازدارنده‌ای در برابر توسعه طلبی‌های رژیم بعث عراق بود. با توجه به مشکلات مصر پس از پایان جنگ این کشور توانایی حفظ موقعیتش را در منطقه خلیج فارس نداشت؛ بدین ترتیب، رژیم عراق، مناسب‌ترین فرصت را برای جامه عمل پوشاندن به آمال توسعه طلبانه اش در خلیج فارس به دست آورد، اما این رژیم با توجه به موقعیت نامطلوبش در خلیج فارس، برای حضوری قوی در این منطقه، به ضمیمه کردن کویت یا حداقل دو جزیره استراتژیک آن، وره و بوبیان نیاز داشت.

طول سواحل کویت در خلیج فارس حدود چهار برابر سواحل عراق است. در واقع، تنها امکان دسترسی عراق به خلیج فارس از طریق خور عبدالله است و سواحل این کشور نیز عمق چندانی ندارد؛ مسئله‌ای که باعث شده است تا کشتیهای بزرگ نتوانند به بندرهای عراق نزدیک شوند؛ بدین ترتیب، موقعیت نامناسب جغرافیایی مانع مهمی در راه رسیدن به اهداف توسعه طلبانه رژیم بعث درباره خلیج فارس بود، مشکلی که در صورت الحاق کویت یا دست کم، بخشهایی از خاک این کشور، تا حد زیادی برطرف می‌شد.^{۳۶} از سوی دیگر، با توجه به اینکه منابع نفتی فلات قاره خلیج فارس به نسبت میزان سواحل هر کشور تقسیم شده بود، سهم عراق از منابع نفتی خلیج فارس، از دیگر کشورها بسیار کمتر بود؛ از این رو، توسعه طلبی ارضی عراق درباره کویت تا اندازه زیادی از انگیزه‌های اقتصادی حکومت این

در سال ۱۹۷۵، پس از انعقاد قرارداد الجزایر بین ایران و عراق و حل اختلافات مرزی بین دو کشور، دولت کویت بارها، خروج نیروهای عراقی را از این کشور خواستار شد. با این حال، رژیم عراق هیچ برنامه‌ای برای خارج کردن نیروهایش از کویت نداشت و با استفاده از این اهرم، کویت را برای اجاره دادن دو جزایر وریه و بوبیان تحت فشار قرار داده بدین ترتیب، بر خوردهای مرزی دو کشور در سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ شدت گرفت و در نهایت، در سال ۱۹۷۹، با مذاکراتی که انجام شد، عراق نیروهایش را از کویت فراخواند.^{۳۶}

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تهدیدهای مشترکی که دو کشور از این واقعه احساس می‌کردند، آنها را بیشتر به یکدیگر نزدیک کرد و در آستانه آغاز جنگ تحمیلی علیه ایران، دولت کویت سیاست هماهنگی با رژیم عراق اتخاذ کرد.

حکومت کویت برای جلوگیری از تهدیدهایی که علیه امنیت ملی و تمامیت ارضی این کشور وجود دارد از استراتژی خرید تهدیدها سود می‌جوید؛ در جریان جنگ ایران و عراق نیز سیاست کویت در حمایت از رژیم عراق تا اندازه زیادی در چهارچوب این استراتژی قرار داشت

پیشینه روابط خارجی ایران و کویت

ایران از جمله نخستین کشورهایی بود که در سال ۱۹۶۱، استقلال کویت را به رسمیت شناخت. سیاست خارجی این کشور مبنی بر تنش‌زدایی با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، باعث شده بود تا دولت آن سیاست متعادلی در برابر کویت داشته باشد.

سیاست خارجی ایران در مورد کویت بر حمایت از تمامیت ارضی این کشور استوار بود و در قبال ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت، همواره، از کویت حمایت می‌کرد. در مقابل، سیاست خارجی کویت درباره ایران همواره، بر پایه تعلقات عربی این کشور قرار داشت، طوری که در جریان اختلافات مرزی ایران و عراق، دولت کویت از عراق حمایت می‌کرد و افزون بر آن، در مقاطع مختلف تاریخی از استقلال استان خوزستان طرفداری می‌نمود، ضمن آنکه این کشور

یکی از مراکز اصلی فعالیت جبهه آزادی بخش خوزستان نیز بود.^{۳۷}

پس از خروج نیروهای بریتانیا از منطقه خاورمیانه و استرداد جزایر سه گانه به ایران، دولت کویت در اعتراض به این اقدام سفیر خود را از ایران فراخواند و روابط دو کشور تقریباً، به مدت یکسال قطع شد.^{۳۸} در سال ۱۹۷۴، دولت ایران برای تأمین امنیت منطقه خلیج فارس انعقاد پیمان دفاعی مشترکی بین کویت، عربستان سعودی و ایران را پیشنهاد داد که مقامات کویتی آن را رد کردند. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی کویت تا اندازه زیادی از سیاست خارجی عراق نسبت به ایران متأثر بود. در واقع، رقابتی که بین ایران و عراق برای ایفای نقش برتر در کشورهای منطقه وجود داشت، مانعی در برابر دولت کویت برای اتخاذ سیاست مستقلی در قبال ایران بود. دولت عراق از طریق اهرمهای فشار خود در کویت، از ایجاد روابط صمیمانه بین ایران و کویت جلوگیری می‌کرد. این مسئله بر تعیین خطوط مرزی دو کشور در خلیج فارس نیز تأثیر گذاشته بود. با توجه به اینکه تعیین محدوده فلات قاره دو کشور، به تعیین فلات قاره ایران و عراق در اروندرود منوط بود، حسن نیت مقامات دو کشور برای حل این مشکل، نتیجه‌ای دربر نداشت.^{۳۹}

پیروزی انقلاب اسلامی، حادثه تأثیرگذاری در روابط ایران و کویت بود. با وجود موضع مسالمت آمیز اولیه کویت در برابر حکومت جدید جمهوری اسلامی، به تدریج، و با روشن شدن دامنه تغییرات ایجاد شده در جامعه ایران، این کشور از تأثیرات انقلاب اسلامی احساس خطر کرد و موضع خود را تغییر داد. با سقوط حکومت شاهنشاهی در ایران، موازنه موجود بین سه کشور قدرتمند منطقه (ایران، عراق و عربستان) بر هم خورد. هر چند حکومت کویت با حکومت پیشین ایران روابط گرمی نداشت، اما همواره، در منازعات منطقه‌ای از آن به عنوان عامل تأثیرگذاری استفاده می‌کرد. افزون بر این، سقوط رژیم شاهنشاهی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران، برای ملت‌های عرب همسایه، که بیشتر نظامی پادشاهی داشتند، خطرناک بود؛ چرا که انگیزه مخالفان را برای تغییر حکومت‌های موجود تقویت می‌کرد. همچنین، وجود جمعیت ۲۰ درصدی شیعه در کویت و حضور تعداد در خور توجه مهاجران ایرانی در این کشور، تهدید عمده‌ای برای حکومت آن بود و مقامات کویتی از تأثیرپذیری جمعیت شیعه این کشور از نظام جمهوری اسلامی ایران و اهمه داشتند؛ مسئله‌ای که با شعارهای مقامات جمهوری اسلامی ایران مبنی بر صدور انقلاب، تشدید شد. از

متجاوزان، مشخص شد که تصور شکست سریع ایران سربانی بیش نبوده است.

گسترش دامنه جنگ و تشدید درگیریها، باعث شد تا ضعف نیروهای نظامی عراق آشکارتر شود و به مرور زمان، نیروهای ایرانی بتوانند ابتکار عمل را در بیشتر جبهه‌ها به دست گیرند. موفقیت نیروهای مسلح ایران در زمین گیر کردن نیروهای عراق و ضربات متعدد وارد شده برای نیروها موجب شد تا کشورهای عرب به یاری رژیم عراق بشتابند. طی جنگ، عراق از حمایت بیشتر کشورهای عرب برخوردار بود. در این میان، حمایت‌های چهار کشور کویت، عربستان سعودی، مصر و اردن، در حفظ توان نظامی عراق برای تداوم جنگ نقشی حیاتی داشت. در بین این چهار کشور نیز، کویت به دلیل داشتن مرز مشترک با عراق و

سوی دیگر، اقدام دولت کویت در جلوگیری از ورود امام خمینی (ره) به آن کشور، در شرایطی که ایشان بر اثر رفتارهای سوء رژیم عراق قصد خروج از این کشور را داشتند، باعث شده بود تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مقامات کویتی از واکنش احتمالی حکومت ایران، نسبت به خود، هراسان باشند.^{۳۰} احساس خطری که کشورهای عرب حوزه خلیج فارس از سرایت انقلاب ایران به کشورهايشان داشتند، باعث می شد تا جمهوری اسلامی ایران را تهدیدی برای حکومتهايشان فرض کنند. این مسئله همراه با تغییر رویکرد کشورهای صاحب نفوذ خارجی نسبت به حکومت ایران باعث شده بود تا کشورهای حوزه خلیج فارس، به رغم اطمینان دادن مسئولان جمهوری اسلامی مبنی بر خودداری از هرگونه دخالت در کشورهای همسایه، با حکومت جدید ایران روابط مطلوبی نداشته باشند.

در چنین شرایطی، رژیم بعث عراق با بهره گیری از دیدگاه بدبینانه‌ای که در سطح منطقه و جهان علیه نظام جدید ایران به وجود آمده بود، توانست با بزرگ جلوه دادن تهدید این کشور برای کشورهای منطقه و جلب حمایت آنها، تهاجم گسترده‌ای را علیه ایران آغاز کند. عراق با اجرای جنگ تبلیغاتی گسترده علیه ایران، و طرح شعار دفاع از امنیت کشورهای عرب منطقه توانست حمایت این کشورها را جلب کند. موضع و عملکرد کویت در مقابل این حمله موضوع مبحث بعدی این نوشتار است.

عملکرد کویت در جنگ ایران و عراق

با آغاز جنگ ایران و عراق، دولت کویت رسماً با اعلام موضع بی طرفی، از دو کشور خواست تا از انجام هر اقدامی، که حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کویت را به خطر اندازد، خودداری کنند. با توجه به شواهد موجود، کشورهای عرب حوزه خلیج فارس پیش از آغاز تجاوز عراق به ایران، از قصد رژیم بغداد در این زمینه آگاهی داشتند. با توجه به توان نظامی بالای ارتش عراق و آمادگی کامل آن و نیز مشکلات بسیاری که جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب در داخل کشور، به ویژه در زمینه مسائل نظامی با آن روبه‌رو بود، پیش‌بینی‌های اولیه، پیروزی سریع و راحتی را برای عراق نشان می داد. پیروزی عراق بر ایران و ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی، می توانست کشورهای همسایه را از خطر روبه رشد اصول‌گرایی اسلامی برهاند، اما با گذشت مدت زمان کمی از آغاز جنگ و زمین گیر شدن ارتش عراق در مناطق مرزی و مقاومت شدید نیروهای نظامی و مردمی ایران در برابر

خصومت دولت کویت با جمهوری اسلامی امنیت این کشور را به مخاطره می افکند، زیرا در برابر حملات نیروی هوایی و دریایی ایران به شدت آسیب پذیر بود و نیروی دریایی ایران با محاصره دریایی بنادر کویت می توانست از صادرات نفت این کشور جلوگیری کند

پتانسیل اقتصادی بالا مهم ترین پشتیبان عراق بود. طی این دوران، روابط نزدیکی بین دو کشور برقرار و چالشهای پیشین به تدریج، فراموش شد. میزان کمکهای حکومت کویت به رژیم عراق طی جنگ، با موقعیت جبهه‌های جنگ رابطه مستقیمی داشت و در مواقعی که نیروهای ایران در جبهه‌ها برتر بودند، حجم این کمکها به میزان درخور توجهی افزایش می یافت. از این نظر، می توان موضع و عملکرد کویت را در قبال جنگ در سه مقطع مشخص بررسی کرد. مقطع نخست، آغاز تجاوز عراق به ایران تا بازپسگیری مناطق اشغالی، مقطع دوم از آغاز سیاست تنبیه متجاوز ایران تا تصرف شهر فاو و مقطع سوم، آغاز جنگ نفت کشها تا پذیرش قطع نامه ۵۹۸ از سوی ایران را شامل می شد.

پس از اقدام سوریه در بستن خط لوله نفتی عراق، دولت کویت همراه با عربستان در آمد صادرات روزانه سیصد هزار بشکه از نفت استخراج شده از منطقه بی طرف دو کشور را به عراق اختصاص داد

۱) آغاز تجاوز عراق به ایران تا بازپس گیری مناطق

اشغالی

رژیم عراق پیش از تجاوز به ایران، تلاشهای دیپلماتیک گسترده‌ای را آغاز کرد تا حمایت کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را برای اجرای سیاست توسعه طلبانه اش به دست آورد. در این راستا، شیخ سعد عبدالله، نخست وزیر و ولیعهد کویت، با سفر به بغداد و دیدار با صدام، با تأکید بر حمایت کویت از عراق در برابر ایران، آمادگی کشورش را برای اعطای هر نوع کمک به عراق اعلام کرد.^{۳۱}

بدین ترتیب با آغاز تجاوز عراق، دولت کویت به مهم ترین کشور حامی عراق تبدیل شد. حمایت‌های این کشور از عراق را می توان در قالب حمایت‌های سیاسی، کمک‌های مالی، خدمات لجستیکی و ترانزیت کالا طبقه بندی کرد.

در عرصه دیپلماتیک، کویت پس از پیشروی ارتش عراق در خاک ایران و اشغال بخش‌های وسیعی از مناطق غربی این کشور، با اتخاذ موضع هماهنگی با رژیم بغداد، بر لزوم برقراری آتش بس بین دو کشور بدون عقب نشینی نیروهای عراقی تأکید کرد. در واقع، این موضع حمایت از ادعای رژیم عراق مبنی بر آزادسازی سرزمین‌های غصب شده این کشور بود.^{۳۲}

همان طور که پیش از این آمد، کویت مهم ترین تأمین کننده نیازهای مالی عراق بود. این کشور در پاییز سال ۱۹۸۰ و در ماه‌های آوریل و دسامبر سال ۱۹۸۱، سه وام بدون بهره را به مبلغ شش میلیارد دلار با بازپرداخت ده ساله به عراق پرداخت کرد. کمک‌های مالی کویت ظاهراً، برای بازسازی تأسیسات آسیب دیده عراق در جنوب این کشور، پرداخت هزینه‌های مربوط به کالاها و خدمات شرکای عمده تجاری این کشور مانند فرانسه یا پرداخت حق العمل کاری شرکت‌های کویتی فعال در عراق صورت می گرفت.^{۳۳} با کمک‌های مالی کویت، عراق توانست تمامی مطالبات مقاطعه کاران خارجی را پرداخت کند و همچنان، به برنامه‌های توسعه خود ادامه دهد. تا ماه اکتبر سال ۱۹۸۲، هیچ گونه کمبودی در عراق در زمینه ارزهای خارجی پیش نیامد و حتی این کشور توانست تمام ذخایر ارزی خود را دست نخورده نگه دارد.^{۳۴}

فروش نفت کویت و عربستان به نفع عراق یکی از مهم ترین کمک‌های مالی آنها به این کشور بود. در واقع، با مسدود شدن خط لوله نفتی عراق از سوی سوریه و کاهش میزان صادرات نفت عراق به نصف، کویت و عربستان در صدد برآمدند تا با فروش روزانه، ۳۰۰ هزار بشکه نفت استخراج شده از منطقه بی طرف حایل بین دو کشور به ارزش سالانه بیش از سه میلیارد دلار به عراق کمک کنند.^{۳۵} این دو کشور همچنین، با افزایش تولید نفت خود و کاهش قیمت آن، درآمدهای نفتی ایران را تا اندازه زیادی کاهش دادند. این در حالی بود که کسری درآمد نفتی عراق با اختصاص بخشی از فروش اضافه نفت از سوی این دو کشور برای عراق جبران می شد.^{۳۶}

در اواخر سال ۱۹۷۹، عراق و کویت موافقت نامه‌ای را منعقد کردند که طبق آن، عراق توانست تسهیلاتی را برای واردات و صادرات خود در بندر شیوخ کویت به دست آورد. همچنین، در اوایل تابستان سال ۱۹۸۰، یعنی حدود سه ماه پیش از آغاز جنگ، عراق و کویت موافقت نامه‌ای را در مورد استفاده انحصاری کشتی‌های حامل کالا برای عراق از برخی از بندهای کویت امضا کردند که طبق آن، کویت چهار لنگرگاه برای این کار در اختیار کشتی‌های مزبور قرار می داد.^{۳۷} بدین ترتیب، طی جنگ و با بسته شدن بندرهای عراق، کویت مهم ترین مرکز تخلیه و بارگیری کالاهای عراقی بود و سلاح‌های مورد نیاز عراق، با تخلیه در بندر کویت شبانه به عراق ارسال می شد.

با زمین گیر شدن ارتش عراق در خاک ایران و تجدید ساختار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، موج حمله‌های ایران علیه نیروهای اشغالگر آغاز شد. اجرای عملیات‌های ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس از سوی نیروهای نظامی ایران، ضربات نابود کننده‌ای را بر ارتش عراق وارد کرد و با آزادسازی شهرها و مناطق اشغال شده، به ویژه در جبهه جنوب، نیروهای عراقی ضمن دادن تلفات بسیار سنگین به پشت مرزهای بین المللی رانده شدند. شکست‌های پی در پی ارتش عراق در مرحله آزادسازی موجب شد، تا کشورهای حامی رژیم بعث، از امکان پیروزی ایران در جنگ هراسان شوند و در نتیجه، کمک‌های خود را به میزان

از جنگ بود که در آن، جزایر مهم و استراتژیک مجنون و تعدادی زیادی از چاههای نفت عراق در اختیار ایران قرار گرفت. موفقیت نیروهای ایرانی در این عملیات و اهمیت استراتژیک مناطق تصرف شده به دلیل نزدیکی به بصره و راههای مواصلاتی جنوب به شمال عراق، انعکاس وسیعی در سطح منطقه‌ای و جهانی داشت. در واقع، این عملیاتها نشان دادند که نیروهای ایران در پی دسترسی به بصره و تصرف آن هستند.

با آغاز مرحله جدید دولت کویت در حمایت از رژیم عراق مصمم تر گردید و ضمن افزایش کمکهای مادی و مالی خود هم صدا با عراق، خواهان صلح و برقراری آتش بس شد. بدین ترتیب، این دو کشور تلاش دیپلماتیک شدیدی را به طور هماهنگ آغاز کردند. از ۱۲ ماه ژانویه تا اواخر سال ۱۹۸۵، مقامات دو کشور دست کم، شانزده مرتبه به پایتختهای یکدیگر سفر و در مورد مسائل مورد علاقه به مذاکره پرداختند. در این زمینه، عراق توانست حمایت کامل دیپلماتیک کویت را به دست آورد.^{۳۹} شیخ صباح الاحمد الجابر الصباح، وزیر امور خارجه کویت، در ماه ژوئیه سال ۱۹۸۴ اظهار کرد: «کویت به حمایت از عراق ادامه خواهد داد؛ زیرا، قراردادها و منشورهایی هست که نمی توان آنها را نادیده گرفت و دیگر اینکه عراق کشوری عرب است».^{۴۰} پس از تصرف جزایر مجنون به دست نیروهای ایران، وزیر خارجه کویت همراه با دیگر وزیران امور خارجه اتحادیه عرب در بغداد گردهم آمدند، تهاجم ایران و اشغال سرزمینهای عراق را محکوم کردند و خواستار برقراری فوری آتش بس شدند.^{۴۱} به غیر از تلاشهای دیپلماتیک کویت برای حمایت از عراق، در این مرحله از جنگ، بر میزان کمکهای مالی این

در خور توجهی افزایش دهند. در این بین، کویت و عربستان نقش تعیین کننده‌ای را ایفا کردند. به رغم انهدام گسترده ماشین جنگی عراق، این کشور توانست با کمکهای فراوانی که دریافت می کرد؛ خسارتهای وارد شده را در مدت کوتاهی جبران کند.

در این مقطع، مقامات جمهوری اسلامی با آگاهی از حجم گسترده کمکهایی که کویت در اختیار عراق قرار می داد و تأثیری که این کمکها بر حفظ توان نظامی عراق برای ادامه جنگ داشت، بارها، قطع کمکها به عراق و حفظ اصول بی طرفی را از دولت کویت خواستار شدند و این کشور را از پیامدهای تداوم این حمایت بر حذر داشتند. در این زمینه، در سال ۱۹۸۰، به چند فروند نفت کش کویتی در خلیج فارس حمله و پاسگاه مرزی العبدلی و نیز تأسیسات نفتی کویت در منطقه ام العیش بمباران شد که خسارات زیادی بدان وارد آمد؛ اقداماتی که دولت کویت تمامی آنها را به ایران نسبت داد، اما مقامات ایرانی این ادعا را رد کردند.^{۳۸}

۲) آغاز سیاست تنبیه متجاوزان سوی ایران تا فتح فاو

باشکستهای پی در پی ارتش عراق و آزادسازی مناطق اشغالی ایران، مقطع جدیدی در جنگ ایران و عراق شکل گرفت. در این مرحله، استراتژی جمهوری اسلامی کشاندن جنگ به خاک عراق و تنبیه متجاوز اعلام شد. عملیات رمضان نخستین عملیاتی بود که در محدوده سرزمینی عراق و با هدف تصرف شهر بصره انجام شد. هر چند این عملیات موفقیت چندانی نداشت و اهداف تعیین شده آن تحقق نیافت، اما طی آن، ضربات مهلکی بر ارتش عراق وارد شد. عملیات خیبر یکی دیگر از عملیاتهای مهم ایران در این مرحله



کشور به عراق افزوده شد. موانعی که در اواخر سال ۱۹۸۲ در پرداخت کمکهای مالی از سوی کویت به عراق، به دلیل ضرورت تصویب پرداخت این کمکها در مجلس کویت، پیش آمده بود، با تغییر موازنه برتری در جبهه ها به ضرر عراق، برداشته شد و از آغاز سال ۱۹۸۳، اعطای کمکهای مالی به عراق تسهیل شد و افزایش یافت. مطابق با برآوردی که به عمل آمده، از آغاز سال ۱۹۸۳، کمک مالی کشورهای خلیج فارس به عراق سالانه، پانزده میلیارد دلار بود که بخش عمده ای از آن را کویت و عربستان سعودی پرداخت می کردند.^{۴۲} این کمکها منبع مالی مهمی برای حفظ توان نظامی عراق بود، طوری که از محل کمکهای مالی کویت، مبلغ پنج میلیارد دلار برای خرید تجهیزات نظامی از فرانسه هزینه شد.^{۴۳}

عملیات والفجر ۸ و فتح فاو به دست نیروهای ایران، یکی از مهم ترین تحولات جنگ ایران و عراق برای دولت کویت بود. با سقوط شهر فاو، حدود سی هزار نیروی ایران در چند کیلومتری کویت مستقر شدند؛ مسئله ای که مقامات کویتی آن را تهدید بزرگی علیه امنیت ملی خود تلقی کردند. تصرف فاو موقعیت استراتژیکی مهمی را به ایران بخشید. هر چند شبه جزیره فاو با مردابها و باتلاقها احاطه شده بود، اما به دلیل تأثیر و نفوذش بر جنوب خلیج فارس اهمیت ویژه ای داشت؛ زیرا، از اوندرد تا جزیره بوبیان در کویت امتداد داشت. پیشروی موفقیت آمیز ایران برای این کشور سه نتیجه عمده را به ارمغان آورد؛ چرا که: الف) عراق را کاملاً از خلیج فارس جدا می کرد؛ ب) به ایران امکان حمله به بصره از جنوب را می داد؛ و ج) خطوط اصلی ارتباطی عراق و کویت را قطع یا حتی انجام حملات آبی. خاکی به کویت را برای ایران ممکن می کرد.^{۴۴} اعمال فشار بر کشورهای عرب خلیج فارس برای رعایت اصول بی طرفی و خودداری از ارائه کمکهای مالی و نظامی به رژیم عراق یکی از اهداف اصلی مسئولان جمهوری اسلامی از اجرای عملیات در این منطقه بود. در این زمینه، پس از تصرف شهر فاو به دست نیروهای ایرانی، آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، اظهار کرد. «کشورهای خلیج فارس که به عراق کمک اعطا می کنند، بدانند که پس از این، ما تحمل نخواهیم کرد که کشتیهای مملو از سلاحهای نظامی برای رژیم عراق در بندرهایشان لنگر بیندازند؛ از این رو، حضور مادر منطقه فاو ضروری بود تا آنها نیروهای ما را در کنار آبهایشان ببینند». این اظهارات هشدار مستقیمی علیه حکومت کویت محسوب می شد. صباح الاحمد، وزیر امور خارجه کویت، در مورد وضعیت

ایجاد شده در منطقه فاو گفت: «ایرانیان با کویت فاصله چندانی ندارند و اگر شما به جزیره بوبیان بروید، با چشم خودتان آنها را می توانید ببینید و البته، این وضعیت، خطر بزرگی برای کویت محسوب می شود». ^{۴۶} دو روز پس از تصرف فاو به دست نیروهای ایرانی، دولت کویت همراه با مجلس این کشور در ۱۱ ماه فوریه سال ۱۹۸۶ (اواخر بهمن ماه سال ۱۳۶۴) بیانیه مشترکی را صادر کرد که در آن، کوششهای مکرر ایران برای اشغال قسمتهایی از سرزمین عراق و به خطر انداختن ثبات آن کشور محکوم شده بود. ^{۴۷} همچنین، دولت

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی سیاست خارجی کویت نسبت به ایران تا اندازه زیادی از سیاست خارجی عراق درباره ایران متأثر بود؛ رقابت این دو کشور برای ایفای نقش برتر در کشورهای منطقه، مانعی در برابر دولت کویت برای اتخاذ سیاست مستقلی در قبال ایران بود

کویت از ۲۱ کشور عضو جامعه عرب دعوت کرد تا با اجرای منشور دفاع مشترک اعراب، از عراق حمایت کنند.^{۴۸} در راستای حمایت سیاسی دولت کویت از عراق، این کشور همراه با اعضای گروه هفت نفری اتحادیه عرب (عراق، اردن، عربستان سعودی، یمن شمالی، تونس و مغرب) در ماه فوریه سال ۱۹۸۶، تشکیل جلسه شورای امنیت را ساختار شد. بدین ترتیب، شورای امنیت در ۲۴ ماه فوریه، تشکیل جلسه داد و قطع نامه ۵۸۲ را صادر کرد، که در آن، بر اصل غیرقابل پذیرش بودن تصرف سرزمین از راه زور تأکید شده بود؛ قطع نامه ای که کاملاً، علیه جمهوری اسلامی ایران بود.^{۴۹} فشار رژیم عراق بر کویت برای واگذاری دو جزیره وربه و بوبیان یکی از مهم ترین پیامدهای تهاجم ایران به شهر فاو برای دولت این کشور بود. با سقوط شهر فاو، بر اهمیت استراتژیک این دو جزیره افزوده شد. این جزیره ها که در جنوب شبه جزیره فاو قرار دارند، می توانستند در حمله متقابل عراق علیه نیروهای ایرانی مستقر در فاو، نقش مهمی داشته باشند. البته، دولت عراق پس از عملیات خیبر و سقوط جزایر مجنون، با موافقت ضمنی دولت کویت، از این دو

۳) آغاز جنگ نفت کشها تا پذیرش قطع نامه ۵۹۸ از سوی

ایران

پس از پیروزی چشم گیر ایران در منطقه فاو و بی نتیجه بودن تلاشهای ارتش صدام برای بازپس گیری آن، وحشت حامیان عراق افزایش یافت و آنها خود را به طور جدی با تهدید گسترش انقلاب رو به رو دیدند. در نتیجه، برای مقابله با جمهوری اسلامی صفوف خود را فشرده تر کردند. بدین ترتیب، کمکهای وسیعی در اختیار عراق قرار گرفت و نیروهای این کشور کاملاً مجهز شدند و از نظر سازمان رزم نیز، توسعه در خور توجهی یافتند. با افزایش توان رزمی، ارتش عراق برای تقویت روحیه نظامیان و خارج شدن از حالت انفعالی، استراتژی نظامی جدیدی را با نام استراتژی دفاع متحرک در پیش گرفت. با وجود موفقیت اولیه این استراتژی و تصرف شهر مهران، هوشیاری و آمادگی نیروهای ایرانی و بازپسگیری مناطق از دست رفته، ناکارآمدی استراتژی جدید را نشان داد. به دنبال آن، با آغاز عملیات کربلای ۵ در شرق بصره و شکسته شدن خطوط دفاعی عراق در این منطقه و وارد آمدن خساراتهای گسترده به ارتش این کشور، رژیم عراق دریافت که توانایی لازم را برای مقابله با رزمندگان اسلام در جبهه زمینی ندارد؛^{۵۳} از این رو، با آگاهی از موقعیت و مناسبات بین المللی کوشید با توسل به جنگ نفت کشها، جریان صدور نفت از منطقه خلیج فارس را به جهان غرب با خطر روبه رو کند و با افزایش تنش در روابط کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران، اوضاع را بیش از پیش بحرانی و از این راه، آنها را رو در روی یکدیگر قرار دهد.

هر چند از زمان آغاز جنگ بین ایران و عراق، دو کشور به صورت پراکنده به کشتیها و تأسیسات نفتی یکدیگر حمله می کردند، اما این حملات انگشت شمار بود و هیچ گاه، به عنوان استراتژی نظامی در نظر گرفته نشده بود تا اینکه پس از آغاز سیاست تنبیه متجاوز ایران، در سال ۱۹۸۴ رژیم عراق حمله به کشتیهایی را که به مقصد ایران در حرکت بودند، افزایش داد. عراق انتظار داشت با اجرای سیاست مقابله به مثل از سوی ایران و به خطر افتادن امنیت صدور نفت از این منطقه، قدرتهای بزرگ برای پایان دادن به جنگ مداخله کنند. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران برای تلافی حمله های عراق، با مشکل بزرگی روبه رو بود، با توجه به اینکه نیروی دریایی عراق در خلیج فارس حضور عملی نداشت، نیروهای ایران تنها با حمله به کشتیهای کشورهای عرب حامی عراق می توانستند این حمله ها را تلافی کنند؛ اقدامی که مشکلاتی

جزیره برای کارهای پشتیبانی استفاده می کرد، اما پس از فتح فاو به دست نیروهای ایرانی، دولت عراق واگذاری این جزیره ها را به طور کامل خواستار شد. که در نهایت، دو کشور بر سر این موضوع به توافق رسیدند. همچنین، در جریان دیدار شیخ سعد عبدالله الصباح، ولیعهد و نخست وزیر کویت از عراق، اخبار غیر رسمی حکایت از این داشت که دولت کویت به غیر از دو جزیره ور به و بوبیان، جزیره فیلکه را نیز در اختیار رژیم عراق قرار داده است.^{۵۴} این جزیره ها در دو سال پایانی جنگ در اختیار عراق قرار داشتند و بدین ترتیب، نیروهای ایرانی صدمات زیادی را متحمل شدند. دولت ایران بارها، از دولت کویت خواست تا مانع از استفاده عراق از جزیره های مزبور علیه ایران شود. دولت ایران همچنین، اعلام کرد در صورتی که در جریان درگیری با نیروهای عراقی، این جزیره ها را تصرف کند، کویت نباید هیچ گونه ادعایی برای استرداد آنها داشته باشد. در مقابل، دولت کویت بار ادعاهای ایران، برای سرپوش گذاشتن بر همکاری خود با رژیم عراق، هم زمان با حضور نیروهای عراقی در این جزیره ها، اجرای چندین پروژه عمرانی را در این جزایر آغاز کرد.^{۵۵}

اقدام دولت کویت

در جلوگیری از ورود امام خمینی [ره]

به آن کشور پس از ترک عراق،

باعث شده بود تا پس از

پیروزی انقلاب اسلامی مقامات کویتی

از واکنش احتمالی جمهوری اسلامی

ایران نسبت به خود هراسان باشد

شکست رژیم عراق در عملیات والفجر ۸ و برخورداری نیروهای ایران از ابتکار نظامی در جبهه ها، باعث شد تا این رژیم برای تحت الشعاع قرار دادن موفقیتهای ایران، به نیروی هوایی اش متوسل شود و با بمباران مناطق مسکونی ایران و حمله به تأسیسات و نفت کشهای آن در خلیج فارس، دامنه جنگ را گسترش دهد. بدین ترتیب، مرحله جدیدی از جنگ شکل گرفت که به جنگ نفت کشها معروف شد. تحولات این دوره از جنگ تأثیر زیادی در ایجاد یک اجماع بین المللی برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق داشت.

را در سطح منطقه‌ای و جهانی برای ایران ایجاد می‌کرد. جمهوری اسلامی ایران با وجود خسارتهایی که متحمل شد، با خویشتن داری و تغییر محل بارگیری نفت کشتها به مناطقی، که عراق امکان دسترسی به آنها را نداشت، توانست عراق را از تعقیب سیاست حمله به کشتیها منصرف کند.^{۵۳} تا سال ۱۳۶۳، حمله‌های عراق به جزیره خارک و بوشهر محدود بود. در واقع، هواپیماهای عراقی توانایی انجام عملیات در مسافتی بیش از این را نداشتند.^{۵۴} سرانجام، پس از سقوط فاو و ناکارآمدی استراتژی دفاع متحرک، رژیم عراق باردیگر، در سال ۱۹۸۶ جنگ نفت کشتها را آغاز کرد و با کمکهای کشورهای عرب توانست به امکانات جدیدی برای وارد کردن ضربات اساسی به تأسیسات نفتی و نفت کشتهای ایران دست یابد. پیش از این، عراق تنها می‌توانست موشکهای ضدکشتی را با بالگردهای سوپر فرلون^(۱) با حداکثر، شعاع عملیات دویست مایل شلیک کند، اما در آن زمان، با خرید هواپیماهای سوپر اتاندارد^(۲) از فرانسه و افزایش برد موشکهای ام-یک توانست شعاع عملیاتی خود را تا سیصد مایل افزایش دهد.^{۵۵} در ۲۱ مردادماه سال ۱۳۶۵، برای نخستین بار، جنگنده‌های عراقی به تأسیسات نفتی ایران در جزیره سیری حمله کردند و سه نفت کش در حال بارگیری را هدف قرار دادند. بی‌گمان، هواپیماهای میراژ اف۱ عراق برای طی مسافت نهمصد کیلومتری تا جزیره سیری به سوخت‌گیری مجدد احتیاج داشتند. در ۴ آذرماه، عراق بار دیگر، شعاع عملیات هوایی خود را در خلیج فارس گسترش داد و به جزیره لارک در تنگه هرمز نیز حمله کرد. جنگنده‌های عراقی در بازگشت از این عملیات، به دلیل کمبود سوخت در عربستان سعودی فرود آمدند و این کشور برخلاف اصل بی‌طرفی، پس از در اختیار گذاشتن سوخت لازم به آنها اجازه داد به عراق برگردند.^{۵۶} تعداد حمله‌های عراق به کشتیهای ایران از ۲۷ مورد در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۴) و ۴۰ مورد در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۵) به ۶۵ مورد در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۶) افزایش یافت.^{۵۷} به دنبال افزایش خسارتهای وارد شده به نفت کشتها و تأسیسات نفتی ایران، این کشور ناخواسته، به جنگ نفت کشتها کشیده شد و در نتیجه، امکانات جدیدی را برای این جنگ تدارک دید. در این زمینه،

نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شکل گرفت. این نیرو از قایقهای تندرو خریداری شده از سوئد بهره می‌گرفت که به سلاحهای نیمه‌سنگین مجهز شده بودند. ایران همچنین، با خرید و تولید مقدار زیادی مینهای پیشرفته و نیمه پیشرفته و نیز خرید موشکهای کرم ابریشم از چین، توان درخور توجهی را برای انجام اقدامات تلافی‌جویانه در خلیج فارس فراهم آورد.^{۵۸}

کشتیها و نفت کشتهای متعلق به کویت و عربستان سعودی مهم‌ترین هدف برای نیروهای ایران محسوب می‌شدند. کویت به‌رغم اعتراضهای مکرر مقامات جمهوری اسلامی، بیش از پیش به حمایت خود از عراق ادامه می‌داد. دولت کویت پس از تصرف شهر فاو به دست نیروهای ایران، به هواپیماهای عراقی اجازه داد تا با عبور از فضای این کشور خود را به جنوب خلیج فارس نزدیک کنند و کشتیهای ایرانی را هدف قرار دهند، ضمن آنکه ناوچه‌ها و کشتیهای کوچک عراق از آبراه سبیه بین کویت و جزیره بویان و بالگردهای عراق از فضای کویت عبور می‌کردند و حمله‌هایی را علیه ایران انجام می‌دادند.^{۵۹}

باید یادآور شد که پیش از سال ۱۹۸۶ و تشدید جنگ نفت کشتها، هفت فروند کشتی کویتی هدف قرار گرفته بودند.^{۶۰} با تشدید جنگ نفت کشتها پس از سال ۱۹۸۶ از سوی رژیم عراق و اقدامات تلافی‌جویانه‌ای که نیروی دریایی تازه تأسیس ایران انجام داد، جنگ نفت کشتها به مرحله جدیدی وارد شد. در ۱۳ ماه ژانویه سال ۱۹۸۷ (۲۳ دی ماه سال ۱۳۶۵)، دولت کویت پرچم‌گذاری مجدد و اسکورت نفت کشتیهایش را از دولتهای آمریکا و شوروی خواستار شد. بدین ترتیب، با مداخله این کشورها و کشورهای هم‌پیمان آنها، جنگ نفت کشتها جنبه بین‌المللی پیدا کرد. هدف کویت در دعوت از آمریکا، دست‌یابی به حمایتی خارجی در برابر اشکال مختلف تهدید و حمله از سوی ایران، به ویژه حمله به کشتیهای حامل پرچم این کشور بود. دولت کویت نمی‌توانست تأثیرات استراتژیک دست‌یابی ایران به فاو و بصره و تأسیس عنصر نیروی دریایی سپاه و تهدیدهایی را که از این طریق، برای امنیت ملی این کشور وجود داشت، نادیده بگیرد.^{۶۱}

وجود جمعیت ۲۰ درصدی شیعه در کویت و حضور تعداد درخور توجه مهاجران ایرانی در این کشور تهدید عمده‌ای برای حکومت آن بود و مقامات کویتی از تأثیر پذیری شیعیان این کشور از انقلاب اسلامی ایران واهمه داشتند

(1) Super Ferlon

(2) Super Etendard

خلیج فارس، نیروهای ایرانی از اجرای سیاست مقابله به مثل در برابر حمله های عراق به منافع این کشور در خلیج فارس منصرف نشدند. در این مقطع، استراتژی نظامی ایران در خلیج فارس بر استفاده از مینهای دریایی، موشکهای ساحل به دریا، قایقهای توپدار و جنگنده هایی نیروی هوایی برای ضربه زدن به منافع متحدان رژیم عراق، استوار بود. برخورد سوپر نفت کش ۴۱۴۲۶۶ تنی بریجتون^(۱) با مین، که نخستین مأموریت نیروی دریایی امریکا برای اسکورت نفت کشتیهای کویتی به شمار می رفت، باعث شد تا نقاط ضعف نیروی دریایی امریکا در انجام وظیفه اسکورت هر چه بیشتر آشکار شود.^{۶۴} ایالات متحده با مشکلات بسیاری برای اسکورت نفت کشتیها رو به رو بود؛ زیرا، هیچ یک از کشورهای حوزه

درخواست دولت کویت از امریکا و شوروی برای اسکورت نفت کشتیهای این کشور، سیاستی هماهنگ با استراتژی نظامی رژیم بغداد برای بین المللی کردن جنگ بود. این اقدام فشار دو چندانی را بر نیروهای ایران وارد کرد و به رویارویی نظامی این کشور با ایالات متحده انجامید. با گشوده شدن جبهه جدیدی در خلیج فارس و گستردگی و آسیب پذیری ایران در آن، این کشور مجبور شد بخشی از توان نظامی موجود در جبهه جنگ با عراق را برای دفاع از سواحل خود در خلیج فارس در برابر هرگونه حمله احتمالی، به این منطقه انتقال دهد؛ اقدامی که هم زمان با توسعه چشمگیر توان نظامی عراق، باعث شد تا توان نظامی ایران تجزیه و به انسجام و برتری نظامی عراق تا پایان جنگ منجر شود.



خلیج فارس به دلیل ترس از واکنش افکار عمومی در سطح داخل کشور و نیز در سطح منطقه حاضر نبودند پایگاه نظامی ثابتی را به نظامیان امریکایی واگذار کنند؛ مشکلی که باعث شد تا کویت سه کشتی بزرگ را که قرار بود در آبهای بین المللی خلیج فارس در نزدیکی جزیره فارسی لنگر بیندازند، اجاره و هشت هزار گالن سوخت مورد نیاز نیروهای امریکایی مستقر در خلیج فارس را تأمین کند. بدین ترتیب، نیروهای امریکایی از کشتیهای اجاره شده به عنوان پایگاهی دریایی برای کنترل تحرکات ایران در خلیج فارس استفاده کردند.^{۶۵} با تشدید حمله های عراق به کشتیها و پایانه های نفتی ایران در خلیج فارس در ماه سپتامبر سال ۱۹۸۷، در روز ۴ و ۵ سپتامبر، چندین بار، کویت هدف

با پذیرش درخواست دولت کویت مبنی بر پرچم گذاری مجدد و اسکورت نفت کشتیهای کویتی از سوی ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی، جنگ نفت کشتی عملاً، به رویارویی ایران با این کشورها منجر شد. هر چند نخستین کشتی تحت اسکورت دولت شوروی به نام ایوان کورتیف هدف حمله قایقهای تندرو قرار گرفت، اما این مسئله به دلیل ملاحظات موجود بین ایران و شوروی، تنش در روابط دو کشور ایجاد نکرد.^{۶۶}

دولت ایران با اعتراض به دولت کویت به دلیل دعوت از قدرتهای بزرگ برای حضور در خلیج فارس، این کشور را از پیامدهای اتخاذ چنین سیاستی بر حذر داشت.^{۶۷} از سوی دیگر، با وجود حضور در خور توجه نیروی دریایی امریکا در

(1) Bridgeton

حمله موشکهای کرم ابریشم قرار گرفت. در پی این اقدام، دولت کویت شکایت خود را به شورای امنیت اعلام و هم‌زمان، پنج تن از دیپلماتهای ایران را اخراج کرد.^{۶۶} دولت آمریکا در پاسخ به اصابت مین به نفت کش بریجتون، کشتی ایرانی ایران اجر را به بهانه انجام مین گذاری، هدف مورد حمله قرار داد و غرق کرد. آنتونی کرزمن در مورد پاسخ ایران به این حمله می نویسد: «در ۱۵ ماه اکتبر سال ۱۹۸۷، ایران

با پرتاب یک فروند موشک کرم ابریشم از شمال فاو به کویت کشتی امریکایی سانگاری^(۱) را هدف قرار داد. روز بعد، یک فروند موشک کرم ابریشم دیگر در بندر الاحمدی کویت به نفت کش کویتی حامل پرچم امریکا به نام سی اوایل سیتی^(۲) اصابت کرد که در اثر آن، کاپیتان امریکایی این نفت کش نابینا شد و تعدادی از خدمه آن مجروح شدند.^{۶۷} در پاسخ بدین حمله‌ها، نیروهای امریکایی با حمله به سکوهای نفتی رشادت و سلمان در خلیج فارس، آنها را منهدم کردند. به دنبال آن، یک فروند موشک کرم ابریشم به پایانه نفتی سی آیلند کویت اصابت کرد و بدین ترتیب، این پایانه به

شدیدی که بدان وارد شد، شدت یافت. این واقعه به بروز برخورد شدیدی بین ایران و امریکا در خلیج فارس انجامید. در ۱۸ ماه آوریل سال ۱۹۸۸، دولت امریکا با مقصر دانستن ایران در این زمینه، با استفاده از توان نظامی درخور توجهی به سکوهای نفتی ساسان و نصر حمله و آنها را منهدم کرد. در این میان، ناوچه ایرانی جوشن به دلیل درگیری با ناوهای امریکایی، با آتش پر حجم این ناوها، غرق شد. همان روز، دو

برخورد دیگر بین هواپیماهای امریکایی با تعدادی از قایقهای تندرو ایران و دو ناوچه سهند و سبلان روی داد که در نتیجه آن، دو فروند از قایقهای تندرو و ناوچه سهند غرق شدند.^{۶۹}

هرچند نیروهای ایران هنوز توان ضربه زدن به نیروهای ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن را در خلیج فارس داشتند، اما تحولات بین‌المللی و نیز شرایط حاکم بر جبهه‌ها به ضرر ایران پیش می‌رفت. در سطح جهانی، اجماعی برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی برای پایان دادن به جنگ پدید آمده بود که از تحریم تسلیحاتی ایران گرفته تا انجام اقدام نظامی علیه هواپیماهای مسافربری آن را در بر می‌گرفت. از

سوی دیگر، با توجه به روند معکوسی که در جبهه‌های جنگ علیه نیروهای ایران وجود داشت و در نتیجه، موفقیت عراق در بازپس‌گیری بخش وسیعی از سرزمینهای تصرف شده، این احتمال وجود داشت که در صورت اصرار ایران بر ادامه جنگ، حاکمیت ملی کشور آسیب ببیند؛ از این رو، با

دلیل خسارات وارد شده بدان تا یک ماه تعطیل شد.^{۶۸} در این مورد، دولت امریکا با این استدلال که تعهدی درباره امنیت سرزمینی کویت ندارد، از نشان دادن واکنش خودداری کرد. موضع‌گیری ایالات متحده علیه ایران، با برخورد ناو ساموئل رابرتز به مین در ۱۴ ماه آوریل سال ۱۹۸۸ و خسارت



(1) Sungari

(2) Sea Isle City

افزون بر این، بین اعراب، عصبیت قومی، قبیله‌ای و نژادی قوی‌ای وجود داشت. حساسیتهای موجود بین نژاد عرب و آریایی در جریان جنگ ایران و عراق، حالت عینی‌تری به خود گرفت؛ موضوعی که با تبلیغات رژیم بغداد برای تحریک احساسات ضدایرانی اعراب نقش مهمی را در حمایت‌های کشورهای عرب از عراق ایفا کرد. از سوی دیگر، امنیت ملی و تمامیت ارضی کویت پس از استقلال این کشور، همواره از سوی عراق مورد تهدید قرار گرفته بود. بدین ترتیب، ایجاد موازنه بین قدرتهای منطقه‌ای و نیز برقراری روابط مستحکم

صلاح دید مسئولان و برای جلوگیری از وارد شدن خسارت بیشتر به دو کشور، دولت ایران، آمادگی خود را برای پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ اعلام کرد.

حمایت کویت از رژیم عراق، حتی در جریان مذاکرات صلح بین دو کشور ادامه یافت و در جریان مذاکرات، مسئولان کویتی از شرایط درخواستی مقامات عراقی حمایت می‌کردند. در مقطع سوم جنگ، نقش دولت کویت بر روند تحولات نظامی - سیاسی جنگ چشم‌گیر بود. طی این مرحله، هماهنگی کاملی بین رژیم عراق و دولت کویت

پس از انجام موفقیت‌آمیز عملیات والفجر ۸ و سقوط شهر فاو، بر اهمیت استراتژیک جزایر ورهبه و بوبیان کویت افزوده شد و بر اثر فشار مقامات عراقی دولت کویت جزایر فوق و نیز جزیره فیلکه را در اختیار نیروهای نظامی عراق قرار داد

با کشورهای تأثیرگذار در صحنه جهانی مهم‌ترین ابزاری بود که دولت کویت می‌توانست برای حفاظت از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی‌اش داشته باشد. پیش از وقوع جنگ ایران و عراق، حکومت کویت به دقت این موازنه را بین سه کشور ایران، عراق و عربستان سعودی رعایت می‌کرد، اما پس از آغاز جنگ و موضع جانبدارانه کویت این موازنه برهم خورد؛ زیرا، طی جنگ، کویت با اعطای کمک‌های مالی و اقتصادی، ترانزیت محموله‌های نظامی، حمایت سیاسی در مجامع منطقه‌ای و جهانی و حتی واگذاری اجازه استفاده از فضا و محدوده سرزمینی این کشور، دولت عراق را در جنگ علیه ایران یاری کرد. از نظر کویت جنگ ایران و عراق سه امتیاز را برای این کشور در برداشت. نخست آنکه با اعطای کمک‌های مزبور به عراق، این کشور از ادعاهای خود علیه کویت صرف نظر می‌کرد. دوم اینکه وقوع جنگ بین ایران و عراق و تضعیف دو کشور در جریان آن، تهدیدهای آنها را علیه کویت کاهش می‌داد و سوم، در نتیجه درگیری ایران در جنگ، صدور انقلاب منتفی و انقلاب در داخل مرزهای جمهوری اسلامی محدود می‌شد.

وقایعی که طی جنگ و پس از پایان آن، برای کویت اتفاق افتاد، نشان داد که دیپلماسی این کشور در جریان جنگ تا چه اندازه اشتباه بوده است. در نتیجه موضع جانبدارانه کویت به نفع رژیم عراق در طول جنگ و عدم رعایت موضع بی‌طرفی، جدا از کمک‌های کلانی که به عنوان کمک مالی پرداخت کرد، با کشیده شدن دامنه جنگ به داخل کویت خسارتهای زیادی به بندرها، تأسیسات نفتی و نفت‌کشهای این کشور وارد شد.

وجود داشت. استراتژی این کشور در جریان اسکورت نفت کشتها، دقیقاً با سیاست رژیم عراق برای بین‌المللی کردن جنگ هماهنگ بود؛ موضوعی که با دعوت از قدرتهای نظامی بزرگ جهان برای اسکورت نفت کشتهای خود بروز یافت. طی این دوره، دستگاه دیپلماسی کویت، اقدامات وسیعی را برای ایجاد اجماعی جهانی، به منظور اعمال فشار به ایران برای پایان دادن به جنگ انجام داد. تحت تأثیر رایزنیهای دولت کویت در سازمانهای منطقه‌ای، مانند شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی و همچنین، در شورای امنیت، زمینه‌سازی لازم برای تحریم اقتصادی و تسلیحاتی ایران انجام شد. دولت کویت همچنین کوشید تا با استفاده از اهرم مالی، روابط کشورهای عرب متحد ایران، مانند سوریه و لیبی را تضعیف کند که البته، در این زمینه، تا اندازه زیادی نیز موفق بود.

جمع بندی

بی‌گمان موضع‌گیری دولت کویت طی جنگ ایران و عراق، در سهای فراوانی برای دیپلماسی این کشور در سالهای بعد داشته است. مهم‌ترین عامل مؤثر بر موضع این کشور در طی جنگ، احتمال سرایت اندیشه‌های انقلابی از ایران به کویت بود؛ چرا که ۲۰ درصد از جمعیت این کشور را شیعیانی تشکیل می‌دادند که از عملکرد حکومت سنی کشور رضایت چندانی نداشتند و در صورت تصمیم حکومت انقلابی ایران برای صدور انقلاب به کشورهای همسایه، امکان وقوع تحولاتی، مانند تحولات ایران در کویت دور از انتظار نبود.

30. Assirri, *Ibid*, P 68.
 31. Ger Nonneman, *Iraq, Gulf States and The War*, London, Ithaca Pess, 1986, P 22.
 ۳۲. جعفر ولدانی؛ پیشین؛ ص ۹۹.
 33. Cordesman, *Ibid*, p 10.
 34. John Townsend, *Economic and Political Implications of The War: The Ecomomic consequences in The Iran - Iraq War*, London: Groom Helm, 1984, P 55.
 35. Assirri, *Ibid*, p 70.
 ۳۶. جعفر ولدانی؛ پیشین؛ ص ۸۹.
 37. Cordesman, *Ibid*, P 9.
 38. Souresrafil, *Ibid*, P 44.
 ۳۹. جعفر ولدانی؛ پیشین؛ ص ۹۹.
 ۴۰. همانجا.
 ۴۱. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ گذری بر پنجمین سال جنگ تحمیلی، تهران: روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۱۹۶.
 ۴۲. جعفر ولدانی؛ پیشین؛ ص ۱۰۰.
 ۴۳. همان؛ ص ۸۸.
 ۴۴. آنتونی کردزمن؛ پیشین؛ صص ۶۶ و ۶۷.
 45. Assirri, *Ibid*, P 71.
 46. *Ibid*.
 ۴۷. جعفر ولدانی؛ پیشین؛ ص ۱۰۰.
 ۴۸. همان؛ ص ۱۰۱.
 49. Assirri, *Ibid*, P 78.
 ۵۰. جعفر ولدانی؛ پیشین؛ ص ۱۱۷.
 51. Assirri, *Ibid*, P 79.
 ۵۲. محمود یزدان فام؛ «عوامل و دلایل گسترش جنگ ایران و عراق»؛ فصلنامه نگین ایران؛ سال اول شماره اول، ص ۴۰.
 ۵۳. الیزابت گاملن و پل راجرز؛ قرار گرفتن نفت کشتی‌های کویتی زیر پرچم ایالت متحده؛ دلایل و تأثیرات آن؛ بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد دوم، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، ۱۳۶۸، ص ۱۵۴.
 ۵۴. محمود یزدان فام؛ پیشین؛ ص ۳۸.
 ۵۵. همان؛ ص ۴۰.
 ۵۶. همانجا.
 ۵۷. کردزمن؛ پیشین؛ ص ۶۹.
 ۵۸. همان؛ ص ۷۲.
 ۵۹. همان؛ ص ۷۷.
 ۶۰. آنتونی کردزمن؛ «غرب و منازعه دریایی در خلیج فارس ۱۹۸۷»؛ ترجمه پریسا کریمی نیا؛ فصلنامه نگین ایران، شماره ۶، سال دوم، ص ۶۱.
 61. Assirri, *Ibid*, P 82.
 62. Souresrafil, *Ibid*, P 49.
 ۶۳. عبدالحلیم ابوغزاله؛ عراق و جنگ ایران و عراق؛ ترجمه: نادر نوروز شاد؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، ص ۲۵۸.
 ۶۴. آنتونی کردزمن؛ «غرب و منازعه دریایی در خلیج فارس ۱۹۸۷»؛ ترجمه پریسا کریمی نیا؛ فصلنامه نگین ایران، شماره ۵، سال دوم، ص ۶۶.
 ۶۵. همان؛ ص ۶۹ و ۷۰.
 ۶۶. همان؛ ص ۸۳.
 67. Assirri, *Ibid*, P 83.
 ۶۸. گاملن...؛ پیشین؛ ص ۱۷۳.
 69. Cordesman, *Ibid*, P 12.

با کمکهای گسترده‌ای که کویت و دیگر کشورهای عرب در اختیار رژیم عراق دادند، این رژیم از نظر نظامی، در مقاطع پایانی جنگ به توان نظامی بالایی دست یافت و نه تنها از طرح ادعاهای توسعه طلبانه اش در قبال کویت منصرف نشد بلکه با سررسید تأدیة مطالبات آن کشور، طی اقدام نظامی سریعی این کشور را تصرف کرد.

یادداشتها

۱. عبدالعلی قوام؛ اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۲، ص ۱۳۳.
 ۲. جعفر ولدانی؛ روابط عراق با کویت؛ تهران: مؤسسه مطالعات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ص ۱۳۶.
 ۳. همان؛ ص ۱۳۵.
 ۴. همان؛ ص ۱۳۷.
 ۵. آنتونی کردزمن؛ «ورود غرب به خلیج فارس ۱۹۸۵-۱۹۸۷»؛ ترجمه: پریسا کریمی نیا؛ فصلنامه نگین ایران، شماره سوم، سال اول، ص ۷۵.
 ۶. جعفر ولدانی؛ پیشین؛ ص ۱۴۶.
 7. Antony Cordesman, *Recovery and Security after The Gulf War*, Colorado Westview Press, 1997, P8.
 8. EIU, *Country Profile Kuwait*, P, 23.
 9. Cordesman, *Ibid*, P 8.
 ۱۰. جعفر ولدانی؛ پیشین؛ ص ۱۳۰.
 ۱۱. همان؛ ص ۱۰۲.
 12. Abdul Reda Assiri, *Kuwait's Foreign Policy*, City State in World Politics, London: Westview Press, 1990, P. 71.
 ۱۳. آنتونی کردزمن؛ پیشین؛ ص ۷۹.
 14. Cordesman, *Ibid*, P 9.
 15. *Ibid*.
 ۱۶. آنتونی کردزمن؛ پیشین؛ ص ۷۶.
 17. Assirri, *Ibid*, P 71.
 18. Cordesman, *Ibid*, P 11.
 19. *Ibid*, P 7.
 ۲۰. جعفر ولدانی؛ پیشین؛ ص ۵۷.
 ۲۱. همان؛ صص ۵۸-۶۲.
 22. Behrouz Souresrafil, *The Iran Iraq War*: New York, Guniary Lithographic co, 1998, P 55.
 ۲۳. د. م. بورل؛ روشهای سیاسی کشورهای عربی در منطقه خلیج فارس؛ ویراستار و مترجم عباس امیری؛ تهران: مؤسسه پژوهشهای سیاسی و اقتصادی بین‌المللی، ۱۳۵۵، ص ۴۰۶.
 24. Cordesman, *Ibid*, P 8.
 ۲۵. جعفر ولدانی؛ پیشین؛ ص ۷۴.
 ۲۶. همان؛ ص ۷۷.
 27. S. H Amin, *Political and Strategic Issues in The Persian - Arabian Gulf*, Glasyow: Roystonon Ltd, 1984, P40.
 28. Assirri, *Ibid*, P 65.
 ۲۹. جعفر ولدانی؛ پیشین؛ ص ۱۷۱.